

● انواع رفتارهای غیراخلاقی

افرادی که اخلاق بد دارند، یک‌سان نیستند؛ چون رفتارهای بد و اخلاق ناشایست، زیاد و متعدد است. مانند: نمازخواندن، آزاررساندن، پرخوری. بنابراین، در این‌جا به صورت ساده، اقسام رفتارهای بد را برای شما عزیزان بیان می‌کنیم:

● ۱. رفتار بد و اخلاق ناپسند در مقابل خدا:

بعضی افراد نماز نمی‌خوانند، یا روزه نمی‌گیرند و یا از نواها و فیلم‌های بد استفاده می‌کنند. در این حالت، آنان در مورد وظایفی که در ارتباط با خدا دارند، کوتاهی می‌کنند.

● ۲. رفتار بد و اخلاق ناپسند در مقابل خود شخص:

شما می‌دانید برخی مردم، پرخور هستند و یا به بهداشت خود اهمیت نمی‌دهند. در این حالت، شخص به خودش زیان می‌رساند.

● ۳. رفتار بد و اخلاق ناپسند در مقابل اجتماع:

عده‌ای به افراد جامعه ظلم و ستم می‌کنند و حق آنان را از بین می‌برند. مثلاً به آنان فحش می‌دهند، یا به همسایه آزار می‌رسانند و یا پول و اشیای دیگران را می‌دزدند. در این حالت، کار آنان برای افراد جامعه زیان‌بخش است.

باتوجه به آن چه بیان کردیم، می‌توانید نتیجه بگیرید که رفتار غیراخلاقی سه نوع است: رفتار بد در مقابل خدا، رفتار بد در مورد خود شخص، رفتار بد در برابر اجتماع و مردم.

دوستان عزیز! اکنون شما دانستید که برخی اخلاق‌ها و رفتارها، خوب و شایسته است و برخی بد و ناپسند. ما نباید در برابر کسانی که رفتارهای غیراخلاقی دارند، بی‌تفاوت و ساکت باشیم. بلکه می‌توانیم با پند و نصیحت، آنان را به راه راست هدایت کنیم. اما لازم است روش اصلاح دیگران و ارشاد آنان را یاد بگیریم تا بهتر بتوانیم در انجام وظایف خویش موفق باشیم.

ما سعی می‌کنیم به صورت ساده «اخلاق اسلامی در برابر رفتار غیراخلاقی» را آموزش دهیم. امید است که همه ما در انجام امر به معروف و نهی از منکر و داشتن اخلاق خوب موفق باشیم. «معروف» عملی است که اسلام آن را نیک شمرده است؛ که دو نوع است:

۱. واجب: مانند نمازهای واجب، روزه، صله رحم، اجرای حدود الهی و ...

۲. مستحب: مانند نماز شب، انفاق و ...
اسلام دستور دادن به نوع اول را واجب دانسته است؛ یعنی اگر کسی شخصی را ببیند که نماز نمی‌خواند و یا حاکمی حدود الهی را اجرا نمی‌کند، یا اگر کسی صلہ‌رحم به جای نمی‌آورد، باید فوراً او را آگاه ساخته، امر به معروف کند.

هم‌چنین مستحب است که انسان در نوع دوم، امر به معروف کند و دیگران را به خواندن نماز شب و کمک به فقر را ترغیب و تشویق کند.

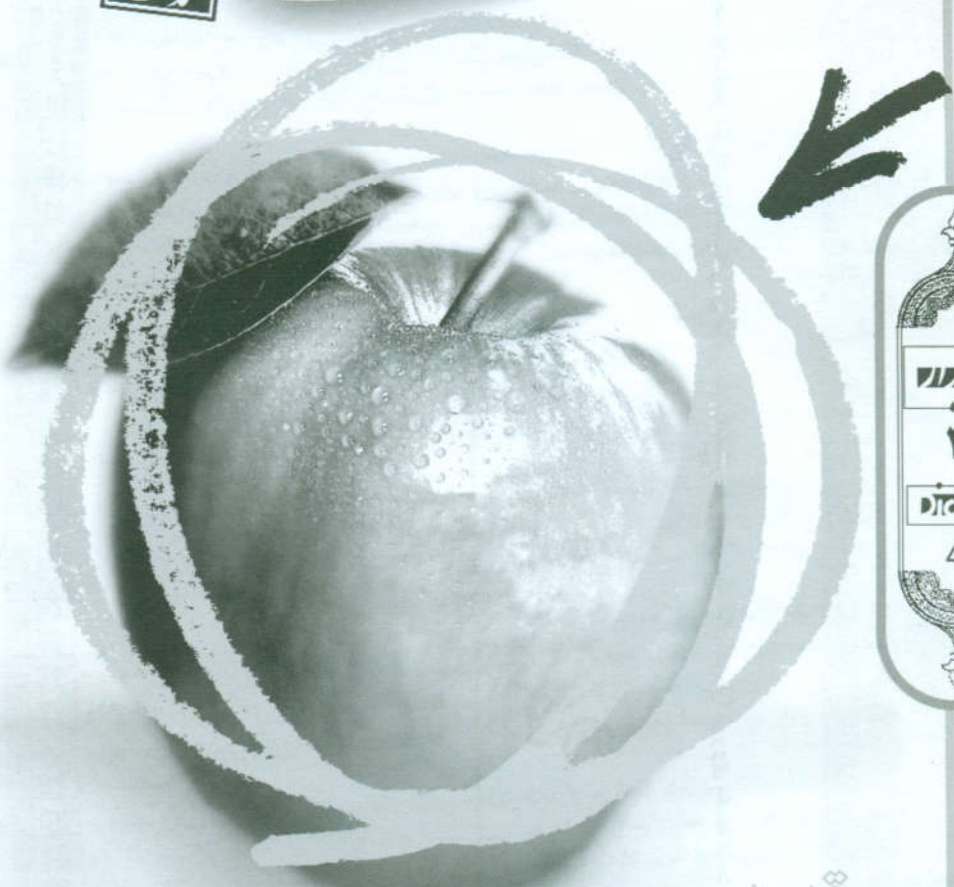
● مراتب امر به معروف

امر به معروف، باید به‌تدریج و مرحله‌ای انجام پذیرد. مثلاً ابتدا با زبان خوش و ملایم باید امر به معروف کرد و در صورت اثربخشی، باید راه‌کارهای دیگر را جست‌وجو کرد.

● موارد و مصادیق معروف

۱. اصول عقاید: خداشناسی، عدل‌شناسی، پیامبرشناسی، امام‌شناسی و معاد‌شناسی

۲. عبادات: نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، تولی و تبری.



● مقدمه

دوستان جوان و نوجوان، سلام!
شما حتماً دوستان خوبی دارید، که دارای اخلاق شایسته و پسندیده‌اند. این‌عده، سزاوار دوستی هستند و هرگاه با آنان باشید به علم و دانش و اخلاق خوب شما افزوده می‌شود. در مقابل، برخی افراد دارای اخلاق زشت و ناپسند هستند؛ مثلاً فحش می‌دهند، دروغ می‌گویند، به دیگران آزار می‌رسانند. این عده شایسته دوستی و رفت‌وآمد نیستند؛ چون هرگاه با آنان باشیم ممکن است اخلاق بد آنان در ما تأثیر بگذارد. دوستان عزیز! می‌دانید که عده‌ای از نوجوانان و جوانان کشورمان معتاد به مواد مخدر هستند. هرگاه زندگی آنان را مطالعه می‌کنید، متوجه می‌شوید آنان در اثر رفاقت با دوستان بد و افراد گمراه، به این مصیبت گرفتار شده‌اند. بنابراین می‌توان گفت: رفتار افراد ممکن است دوگونه باشد: رفتارهای اخلاقی و شایسته و یا رفتارهای غیراخلاقی و ناشایسته.



۳. احکام اسلامی: احکام خرید و فروش، قرض، هدیه، اجاره، عاریه، طلاق، ازدواج، قضاوت، شهادت، ارث، حدود جزایی و قوانین کیفری.
۴. اخلاق: راستی، امانت، اخلاص.
۵. فضایل انسانی: سخاوت، فروتنی، شهامت، خوش رویی.
۶. آداب اجتماعی: منظور از آداب اجتماعی، مسایلی است که اسلام آن‌ها را نیکو شمرده و توجه به آن‌ها مستحب دانسته است؛ مانند: آداب نشستن، ملاقات کردن، آداب تجارت، کشاورزی، سلام کردن.

● منکر چیست؟

مراد از «منکر» هر چیزی است که خداوند بزرگ از آن نهی کرده است؛ مانند: نوشیدن شراب، قماربازی، غیبت، تهمت و ... منکر، دو نوع است:

۱. حرام، مانند: رباخواری، دزدی، نگاه به نامحرم، بی‌حجابی.
 ۲. مکروه، مانند: پرخوری، طلاق
- البته، نهی کردن و بازداشتن افراد از محرمات (کارهای حرام)، واجب است. مثلاً هرگاه شخصی را ببینید که مشروب الکلی می‌نوشد، باید فوراً او را از این عمل بازدارید ولی نهی کردن از مکروهات، مستحب است.

نکته: برای خاموش ساختن یک آتش‌سوزی گسترده، از یک نفر کاری ساخته نیست؛ بلکه همگان از همه طرف باید آب بрызند تا شعله‌ها خاموش شود. در جامعه آوده به گناه و فساد و منکرات هم، نهی از منکر، مثل آبریزختن همگانی روی آتش و خاموش ساختن آن باید صورت گیرد.

● مراتب نهی از منکر

۱. تنفر قلبی از گناه و گناه‌کار: باید ابتدا با تنفر قلبی و درونی، نسبت به خود گناه روبه‌رو شویم و نیز از گناه‌کار، دوری بجویم.
 ۲. ابراز انزجار و تنفر با ترش‌رویی و اخم کردن: عمل زشت و ناپسند گناه‌کار را با اخم کردن محکوم کنیم. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌گوید: «پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، به ما فرمود که باید همیشه با افراد گناه‌کار، با ترش‌رویی و اخم کردن روبه‌رو شوید.» بنابراین باید از هم‌دم شدن، گرم‌گرفتن و همکاری با انسان گناه‌کار خودداری و آنان را از مجالس عمومی طرد کنیم.
 ۳. ابراز انزجار و تنفر با زبان و یا با اشاره چشم و کنایه‌گویی.
 ۴. ابراز انزجار و تنفر عملی
- توضیح بیش‌تر آن‌که، در حکومت اسلامی در مواقعی که جلوگیری از گناه و فساد جز با مرحله عملی و اقدام و برخورد، ممکن نباشد و نهی از منکر به زدن و زخمی‌کردن و درگیری و ... بینجامد، باید به نحوی با همکاری و هماهنگی نظام حاکم و توسط نیروهای انتظامی و مقامات مسئول انجام گیرد که به هرج و مرج کشیده نشود. البته در مواردی خاص، مثلاً کسی می‌خواهد دیگری را بکشد، یا خانه‌ای را آتش بزند، یا شراب بنوشد، یا از دیوار خانه‌ای به قصد دزدی بالا رود، می‌توان شخصاً اقدام به جلوگیری کرد و اقدام‌کننده را از عمل منکر بازداشت.

● یک نمونه رفتار پیامبر در نهی از منکر

سه نفر از مسلمانان به نام‌های کعب، مراره و هلال از شرکت در جنگ تبوک و همراهی با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خودداری کردند، البته به علت تنبلی نه نفاق و دورویی. چیزی نگذشت که پشیمان شدند.

هنگامی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از صحنه تبوک به مدینه بازگشت، خدمتش رسیدند و عذرخواهی کردند، اما پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله حتی یک جمله با آن‌ها سخن نگفت و به مسلمانان نیز دستور داد که هیچ‌کس با آن‌ها سخن نگوید. آن‌ها در یک محاصره عجیب اجتماعی قرار گرفتند؛ تا آن‌جا که حتی کودکان و زنان آنان نیز نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمدند و اجازه خواستند که از آن‌ها جدا شوند.

فضای مدینه با تمام وسعتش، چنان بر آن‌ها تنگ شد که مجبور شدند برای نجات از این خواری و رسوایی بزرگ، شهر را ترک‌گویند و به کوه‌های اطراف مدینه پناه برند. بستگان، برای آن‌ها غذا می‌آوردند ولی حتی یک کلمه با آن‌ها سخن نمی‌گفتند.

مدتی به این صورت گذشت و پیوسته انتظار می‌کشیدند که توبه آن‌ها قبول شود و آیه‌ای که دلیل بر قبولی توبه آن‌ها باشد نازل گردد، اما خبری نبود. در این هنگام فکری به نظر یکی از آنان رسید، به دیگران گفت: اکنون که مردم با ما قطع رابطه کرده‌اند چه بهتر که ما با یک‌دیگر هم قطع رابطه کنیم!

آن‌ها چنین کردند به‌طوری که حتی یک کلمه با یک‌دیگر سخن نمی‌گفتند. به این ترتیب، سرانجام پس از پنجاه روز گریه و تضرع، توبه آنان به پیشگاه خداوند قبول شد و این آیه قرآن نازل شد:

«و آن سه نفر که (در مدینه) بازماندند (و از شرکت در تبوک خودداری کردند و مسلمانان با آنان قطع رابطه نمودند) تا آن حد که زمین با همه وسعتش بر آن‌ها تنگ شد و جایی در وجود خویش برای خود نمی‌یافتند و دانستند که پناهگاهی از خدا جز به سوی او نیست، در آن هنگام خدا آنان را مشمول رحمت خود ساخت و خداوند توبه آن‌ها را پذیرفت، که خداوند توبه پذیر و مهربان است.»^۷

● ادامه دارد ...



پی‌نوشت‌ها:

۱. سیدمحمد شیرازی، دانستی‌های امر به معروف، ترجمه حسین شاهرودی، ص ۵
۲. همان، ص ۱۰ - ۱۱
۳. سیدمحمد شیرازی، دانستی‌های نهی از منکر، ترجمه حسین شاهرودی، ص ۶
۴. جواد محنتی، راه رشد، ص ۵۱
۵. همان، ص ۳۲
۶. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۶۹؛ محمدابراهیم آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، ص ۶۳۹
۷. توبه، ۱۱۸